

در گفت‌وگو با مدیر کل دفتر اقتصادی وزارت بازرگانی بررسی شد:

هدفمند کردن پارانه‌ها یعنی توزیع متعادل درآمدها

■ مریم تاجیک

لایحه هدفمندسازی پارانه‌ها در سه بخش اصلاح قیمت‌ها، پرداخت نقدی پارانه‌ها و نظام مدیریتی در دولت تهیه و نهایی شد و به تصویب یک فوریتی مجلس رسید. دکتر مرجان فقیه نصیری، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور و مدیر کل دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی معتقد است این بخش‌ها هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ‌کدام بر دیگری اولویت ندارند. چنانکه برای محقق شدن اهداف طرح تحول اقتصادی همه ۷ نظام مطروحه در این طرح باید به‌طور کامل و صحیح اجرا شود. به گفته مدیر کل دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، رسالت اطلاع‌رسانی این مهم بر عهده رسانه‌ها است تا مردم را از همه محورهای مورد بحث در این طرح آگاه کنند. چرا که رسیدن به اهداف این طرح یک عزم و همراهی و همدلی ملی را می‌طلبد. لذا ما هم برای اطلاع رسانی بیشتر و دقیق‌تر از لایحه هدفمندسازی پارانه‌ها که به تصویب یک فوریتی مجلس رسید با دکتر مرجان فقیه نصیری به گفت‌وگو نشستیم.

چرا اعتقاد بر این است که هدفمند کردن پارانه‌ها فقط از راه اصلاح قیمت‌ها ممکن است؟

اساسا ما باید با این تحلیل به این موضوع بپردازیم که پرداخت پارانه‌ها به چه شکلی ممکن است و اینکه سیاست‌های حمایتی دولت چیست؟ دولت شیوه‌های مختلفی را می‌تواند به‌عنوان ابزارهای حمایتی خصوصا برای اقشار آسیب‌پذیر با هدف تعادل درآمد داشته باشد. یکی از

این شیوه‌های حمایتی، شیوه قیمتی است. یعنی دولت کالاها را در سطح پایین‌تر از قیمت رقابتی بازار، یا گاهی قیمت تمام‌شده محصول نگه دارد تا بتواند از مصرف‌کننده حمایت کند و مابه‌التفاوت این قیمت را بپردازد. پس اولاً، هدفمند کردن پارانه‌ها الزاما با اصلاح قیمت‌ها نخواهد بود. لذا برای آنکه بتوانیم آن بخش از پارانه‌هایی را که قیمتی پرداخت می‌کردیم هدفمند کنیم نیاز به اصلاح قیمت داریم. لازمه این کار آن است که قیمت‌ها به سطح قیمت‌های رقابتی تعیین بشوند. بنابراین، اصل پاسخ این است که دولت ابتدا خواست به‌طور قیمتی حمایت کند. اکنون نیز با اجرای هدفمند کردن پارانه‌ها می‌خواهد حمایت کند، اما نه از همه. پس باید روش قیمتی را اصلاح نماید.

دستاورد های تصویب لایحه هدفمند کردن پارانه‌ها برای مردم و دولت چیست؟

واقعیت این است که طی سالیان درازی با اختصاص یارانه از مردم حمایت شده است، اما این حمایت‌ها به گروه‌های هدف نرسیده و نتوانسته سطح رفاهی این بخش از جامعه را ارتقا دهد. در واقع اگر چه ما توزیع متعادل درآمد را به‌دست آورده‌ایم، اما نتوانسته‌ایم با ابزارهایی که تاکنون استفاده کرده‌ایم به‌خوبی آنرا بهبود بخشیم و ارتقا دهیم. لذا با تصویب لایحه هدفمند کردن پارانه‌ها سطوح آسیب‌پذیرتر به سطح درآمدی پایین‌تر به سطح درآمدی بالاتری خواهند رسید. انتظار ما با اجرای هدفمند کردن پارانه‌ها در بعد کلان آن برای خانوارها این است که به نتیجه توزیع متعادل درآمد برسیم. یکی دیگر از اهدافی که در اقتصاد وجود دارد، کارایی است. ما اساسا، به‌دنبال

نکسید کارگران بیکار خواهند شد. من معتقدم که مشکل اشتغال و نگاه به آن وظیفه بنگاه نیست بلکه وظیفه دولت است. برای اینکه بنگاه یک نگاه رقابتی باشد باید دغدغه کیفیت محصول و رقابت‌پذیری داشته باشد.

متأسفانه بنگاه‌های ما به‌دلیل حمایت‌های اشتباه در عمل، کار آرایسی در تخصیص منابع و مدیریت کیفیت‌شان را ندارند، لذا قطعاً علائم قیمتی به چنین بنگاه‌هایی این علامت را می‌دهد که شما از سال آینده نمی‌توانید از این حمایت‌ها بهره‌مند شوید، کما اینکه در لایحه هم مطرح است که بنگاه‌ها تا سه سال فرصت دارند تا خودشان را از لحاظ اعمال سازوکارهای صرفه‌جویی در انرژی در فرآیند تولیدشان مدیریت کنند و البته از حمایت‌هایی هم بهره‌مند خواهند شد. چون ۵ درصد از منابع این کار برای این بخش در نظر گرفته شده است.

یعنی تا سه سال حمایت‌های دولت ادامه دارد و بعد قطع می‌شود یا اینکه سه سال فرصت دارند که این تغییرات را انجام داده و اگر نتوانند حذف می‌شوند؟

این لایحه، دوره سه ساله‌ای را برای اصلاح قیمتی در نظر گرفته است و به وزارت صنایع هم حکم کرده که برنامه‌ای را در جهت شناسایی صنایع آسیب‌پذیر از اعمال این اصلاح قیمتی و مدت زمان لازم برای اصلاح سازوکار برنامه‌های این بنگاه‌ها ارائه دهد. در این میان دولت نیز با ابزارهای مختلفی به‌صورت نقدی یا تبعیض قیمتی از آنها حمایت خواهد کرد.

صرفه‌جویی‌ها و مدیریت‌های هزینه‌ای در بنگاه‌ها هستیم تا بتوانیم کالاهایی قابل رقابت با کالاهای جهانی تولید کنیم. بنگاه‌ها همیشه حمایت شده‌اند، اما چون این حمایت‌ها هدفمند و با برنامه نبوده است از یک تولید رقابتی در بازار جهانی برخوردار نبوده‌اند. به‌طور مثال، به بنگاه‌هایی که دچار مشکل می‌شد در شرایط خاصی اثر مورد حمایت قرار می‌دادیم و همین حمایت باعث می‌شد که آن بنگاه سال‌ها باقی بماند، اما مدیریتی در خصوص اینکه چنین صنایعی تا کی نیاز به حمایت دارند وجود نداشت. متأسفانه! ما نه تنها با مشکل تولید روبه‌رو هستیم بلکه به‌دلیل حمایت‌های ناصحیح، بنگاه‌هایی به‌وجود آمده‌اند که همیشه نیازمند یک دایه به‌نام دولت هستند تا دائما برای تولید از آن‌ها حمایت کند، لذا در لایحه هدفمند کردن پارانه‌ها علاوه بر حمایت‌هایی که در نظر گرفته شده است ما به‌دنبال تولیدی هستیم که کیفیت محصول را نیز ارتقا ببخشند. بنابراین، یک بنگاه باید برنامه ارتقای کیفیت و مدیریت هزینه داشته باشد تا تولیداتش بتواند با کالای خارجی رقابت کند. چنانچه، بنگاه‌هایی نتوانست طی این برنامه خاص به این سطح برسد که در بازار جهانی رقابت کند چه دلیلی دارد که همیشه تاوانش را مردم بدهند. به‌طور مثال، اگر به دلایل مختلف مجبور باشیم تعدادی بنگاه داشته باشیم که عملا محصولاتی بی‌کیفیت تولید می‌کنند اینها جز بار اضافی بر دوش اقتصاد چیز دیگری نیستند. از طرف دیگر مردم را نیز مجبور کنیم که از این محصولات بی‌کیفیت خریداری و استفاده کنند. حال وقتی به بنگاه بگوییم با این وضعیت تولید تا کی و چقدر به حمایت نیاز دارید؟ بلافاصله دغدغه اشتغال را جلوی پای دولت می‌گذارند که اگر از ما حمایت

به نظر شما بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها کدام بخش باید مورد اصلاح قرار بگیرد؟

به‌رغم اینکه موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها به‌دلیل رسانه‌ای شدن مورد توجه و اهمیت بیشتری قرار گرفته است، اما من هر ۷ محور را از اهمیت یکسانی برخوردار می‌دانم. چرا که طرح تحول اقتصادی به لحاظ نظام برنامه‌ریزی، یک «برنامه‌ریزی هسته‌ای» است که می‌خواهد از دل برنامه‌های جامعه که همان برنامه‌های پنجم هستند، مشکلات کلیدی را شناسایی کرده و روی آنها متمرکز شود.

البته من براساس نظر شخصی‌ام موضوع بهره‌وری را در اولویت اول از هدفمندی قرار می‌دادم. چرا که ارتقای بهره‌وری در اقتصاد ایران در بخش خصوصی و دولتی همان اندازه مهم است که هدفمند کردن یارانه‌ها یا دادن سیگنال‌های قیمتی برای بهبود کارایی. از سوی دیگر اصلاح نظام توزیع نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ماد در صورتی می‌توانیم هزینه مبادله را برای بنگاه و مردم کاهش دهیم که نظام توزیع از وضعیت سستی نجات پیدا کند، لذا باید از ابزار «فن آوری اطلاعات»، کد شناسه کالا، طبقه‌بندی کیفیت کالا و ایجاد شرکت‌های پخش که موجودیت‌شان رصد می‌شود استفاده کنیم. با این همه به‌دلیل مشکلات زیادی که در این زمینه داریم، حتی اگر خوب هم تولید کنیم، نمی‌توانیم توزیع مطلوبی داشته باشیم. پس نظام توزیع هم همان مقدار اهمیت دارد. حال نظام بانکی کشور، اگر این نظام نتواند در مدیریت منابع و سرمایه، سیگنال‌های سرمایه را به‌درستی انعکاس بدهد، تولیدات ما از کارایی برخوردار نیست. در نتیجه نظام سیستم بانکی باید سیگنال‌های درست را به اقتصاد بدهد. به اضافه اینکه ارزش‌گذاری پول ملی هم از این مهم مستثنی نیست.

اگر پول ملی را درست ارزیابی نکنیم یا نرخ ارز را درست قیمت‌گذاری نکنیم اثرات تورمی، در پرداخت‌ها و شاخص‌های کلان خواهد داشت. بنابراین هر یک از این ۷ محور از اهمیت خاص خود برخوردار است. چنانکه بدون اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نمی‌توانیم، نظام هدفمند کردن یارانه‌ها را اعمال کنیم. نظام مالیاتی باید بر پایه اطلاعات دقیق و بر مبنای «IT» باشد. لذا برای هدفمند شدن یارانه‌ها باید یک نظام مالیاتی قوی وجود داشته باشد. بنابراین، تمامی این ۷ محور، مثل چرخ دنده‌هایی، به هم متصل‌اند که به هر کدام از آنها بی‌توجه باشیم اهداف طرح تحول تامین نخواهد شد. لذا من برای همه آنها ارزش یکسان قائلم.

حامل‌های انرژی به عنوان یک نهاد در تولید محصولات مختلف به کار گرفته می‌شوند. تاخیر در اصلاح قیمت انرژی چه پیامدهایی را برای اقتصاد کشور دارد؟

تاخیر در اصلاح قیمت‌ها به معنی تاخیر

در کارایی و بهره‌وری است. یعنی اگر می‌خواهیم همچنان منابع اقتصادی را به هدر دهیم و محصولات بی‌کیفیت تولید کنیم، وضعیت اقتصاد به همین نحوی خواهد بود که می‌بینیم. فکر می‌کنم هیچ کس شک ندارد که این اصلاح قیمتی به‌عنوان یک علامت، برای کارایی در اقتصاد باید اتفاق بیفتد تا ثروت ملی هدر نرود. حال اگر اختلاف نظری هم وجود داشته باشد در مورد زمان اجرای آن است. من فکر می‌کنم هرچه زودتر این کار را انجام دهیم، می‌توانیم جلوی ضرر زیان‌های بعدی را بگیریم.

رفتار دولت در قبال اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، منتقل کردن اثرات قیمت جدید حامل‌های انرژی به اقتصاد است و پس از آن منتقل شدن این تغییر به دستمزدها و سپس انتقال آن به هزینه بنگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی. حال دولت برای اصلاح عدم تعادل‌های احتمالی که در بنگاه‌ها به‌وجود می‌آید چه اقداماتی می‌تواند داشته باشد؟

در اینکه اصلاح قیمت انرژی یک آثار و تبعاتی در پی خواهد داشت، شکی نیست. اصلاً ما به‌دنبال این آثار و تبعات هستیم. این علامتی است به بنگاه‌ها که

شاخص قیمت کالاهای وارداتی با شاخص تولیدکننده یک همبستگی حول وحوش ۹۰ درصد دارد. این بدان معنا است که افزایش ارزش دلار یا پول خارجی یا به معنای دیگرش کاهش ارزش پول ملی یعنی گران شدن کالای وارداتی و گران شدن تولید محصول داخلی که قاعدتاً اثر تورمی‌اش را از این طریق خواهد گذاشت

برنامه اصلاح و صرفه‌جویی اعمال کنند و از هدر رفتن انرژی پرهیز کنند. حالا باید به این بنگاه‌ها فرصت داد اما، این فرصت باید زمانش مشخص و با برنامه باشد.

برای غالب بنگاه‌ها هم مدت سه ساله در نظر گرفته شده است و حالا شاید بنگاه‌های خاصی به زمان بیشتری نیاز داشتند، باید شوراهای تخصصی طرح تحول در موردشان نظر دهند و گزینه می‌رسیم به اینجا که صد سال از صنعت نساجی حمایت کردیم ولی هنوز هم این صنایع نیاز به حمایت دارد. پنجاه سال از صنایع خودروسازی حمایت کردیم هنوز هم نیاز به حمایت دارند. الان به خودروسازان بگویند که تعرفه خودروهای خارجی صفر است. ببینید چه اتفاقی خواهد افتاد. معنی‌اش آن است که خودروسازان ما با اینکه رشد پیدا کرده‌اند، اما محصولاتشان هنوز با رقابت در بازار جهانی فاصله زیاد دارند. وقتی بنگاهی خوب عمل کند، علائمش را هم خواهد داشت. یعنی می‌تواند محصولاتی را تولید کند که در بازار جهانی به قیمت جهانی، بفروشد. چنین بنگاهی دیگر خیلی جای نگرانی ندارد، چرا که می‌تواند در هر جایی محصولاتش را بفروشد برساند.

آیا بدون هماهنگی و اجرای بقیه

محورها، اجرای یکجانبه حذف یارانه‌ها از انرژی‌های حامل مشکلاتی را در پی نخواهد گذاشت؟

اولاً اینکه این لایحه فقط اصلاح قیمت نیست، بلکه جبران‌کننده آثار و تبعاتش نیز است. این لایحه یک بسته است. یعنی شامل اصلاح قیمت و جبران آثار آن است. پس عملاً تبعات خودش را می‌بیند. من مطلع هستم که همزمان در نظام تولید، پروژه‌های دیگری در حوزه بازرگانی فعالیت دارند که عملاً فعال هستند و بعضی از آنها تا ۵۰ درصد پیشرفت داشته‌اند. این پروژه‌ها به دو دلیل مطرح نشده‌اند یکی عدم اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و دیگری عدم نیاز به قانون شدن. دولت بخش‌هایی را که نیاز به قانون داشته است یا مجلس اصرار داشته که نیاز به قانون دارد در بسته آورده و برای آنها درخواست مجوز کرده است. ولی می‌دانم در هر ۷ نظام بررسی می‌شود که اگر چنانچه در مسیر فعالیت نیاز به اصلاح قانون بود دوباره همین فرآیند طی شود. مثلاً، اگر برای اصلاح نظام مالیاتی نیاز به قانون بود، اصلاحیه یا متن لایحه‌اش را می‌نویسند و تقدیم مجلس می‌کنند. ماباید همه نظام‌های این طرح را به مردم معرفی کنیم، چرا که سبب نشود این طرح دچار انحراف شده و به اهدافش نرسد.

به‌عنوان آخرین سؤال، یکی از محورهای طرح تحول اقتصادی ارزش‌گذاری پول ملی است. این محور چقدر می‌تواند در مهار تورم احتمالی و اصلاح قیمت‌ها تأثیر داشته باشد؟

ارزش‌گذاری پول ملی خیلی مهم و حساس است. در اقتصاد ما چیزی نزدیک به ۸۰ درصد واردات رسمی‌مان مربوط به مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای و تجهیزات ماشین‌آلات است که در فرآیند تولید داخلی قرار می‌گیرند. پس گران شدن محصول وارداتی به معنی گران شدن بهای تمام شده تولید است و طبیعتاً گران شدن تولیدات، ما طی بررسی که داشتیم نشان می‌داد شاخص قیمت کالاهای وارداتی با شاخص تولیدکننده یک همبستگی حول وحوش ۹۰ درصد دارد. این بدان معنا است که بالا بردن ارزش دلار یا پول خارجی یا به معنای دیگرش کاهش ارزش پول ملی یعنی گران شدن کالای وارداتی و گران شدن تولید محصول داخلی که قاعدتاً اثر تورمی‌اش را از این طریق خواهد گذاشت.

برای همین گروهی معتقدند که با توجه به اینکه تولید ما به‌شدت وابسته است، اثرات تورمی ارزش‌گذاری پول ملی می‌تواند خیلی حساس باشد. به همین دلیل تعیین آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌نحوی که نه اثرات تورمی‌را بر سر تولید تحمیل کند و نه احتمالاً اثراتی در بخش صادرات داشته باشد. این به مثابه تیغه چاقویی است که شما کدام قسمت آن‌را انتخاب کنید که از تعادل نیفتد.

